

پژوهشی در زمینه پیدایش مذاهب



محمد احسانی *

شیعه و سنی

چکیده

دو دیدگاه مختلف از اسلام با تفاوت‌های اساسی در اصول و فروع، بلافاصله پس از رحلت رسول خدا ﷺ در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی ظاهر گردید که تاکنون نیز به صورت دو نگرش مستقل و جدا از هم در تمام زمینه‌ها وجود داشته است. این دو نگرش از آغاز پیدایش، در قالب دو گروه اقلیت و اکثریت پدیدار گشت و به مرور زمان، به دو مذهب بزرگ به نام «شیعه» و «سنی» معروف شد. هر کدام از این دو مذهب تحولات و فراز و نشیب‌های گوناگونی را در طول تاریخ به خود دیده است. تقریباً، در تمام این تحولات تاریخی، طیف اکثریت (سنی) حاکمیت سیاسی را در اختیار داشته و غالباً از آنچه در توان داشته علیه رقیب خود، فروگذار نکرده است. با این حال، اقلیت شیعه با برخورداری از فرهنگ قوی اهل بیت پیامبر ﷺ همیشه در برابر رفتار غالباً غیر متناسب گروه اکثریت، هویت دینی و مذهبی خود را حفظ نموده و از موقعیت فرهنگی و اجتماعی خود به خوبی دفاع کرده است.

از آن‌جا که، هر یک از این دو مذهب به نوبه خود، مدعی اصالت و تقدّم در پیدایش می‌باشد، از این رو، این تحقیق در زمینه ظهور و شکل‌گیری این دو فرقه و این‌که آیا در زمان رسول خدا ﷺ، نشانی از آن دو در گفتار آن حضرت وجود داشته است یا نه، صورت گرفته است.

مفهوم «سنت»

الف - در لغت

واژه «سنت» در لغت، به معنای طریقه، سیره و روش آمده؛^(۱) چنان‌که در قرآن کریم نیز به همین معنا به کار رفته است، آن‌جا که می‌فرماید: «سنة الله في الذين خلوا من قبل و لن تجد لسنة الله تبديلاً» (احزاب: ۱۶۲)؛ این سنت خداوند در اقوام پیشین است و برای سنت الهی هیچ‌گونه تغییری نخواهی یافت.

طریقه و روش خداوند در امت‌های پیشین این بوده که اگر گروهی دست به فساد و ایجاد اضطراب در بین مردم

می‌زدند، گرفتار عذاب الهی گردیده، نابود می‌شدند. این روش خداوند تغییرناپذیر است و اگر مسلمانان چنین کاری انجام دهند نیز سرنوشت امم گذشته را خواهند داشت.^(۲)

ب - در اصطلاح

«سنت» در اصطلاح شرعی، به معنای سیره و دستور شارع است، اعم از دستور قولی، فعلی و امضایی،^(۳) سنت بدین معنا، در فقه به کار می‌رود و یکی از ادله شرعی است.

«سنت» در اصطلاح کلامی، معمولاً

همراه با کلمه «اهل»، یعنی «اهل السنة» و یا به اضافه واژه «الجماعة»، یعنی «اهل السنة و الجماعة»^(۴) می‌آید. این اصطلاح که به معنای گروه و فرقه‌ای از مسلمانان با عقاید خاص است، به موارد ذیل اطلاق می‌گردد:

کاربردهای اصطلاح «اهل السنة»

۱. مقابل شیعه و به معنای انکار نص در خلافت: «اهل السنة» به کسانی گفته می‌شود که منکر وجود نص در خلافتند و بر این پندارند که تعیین جانشین پیامبر اکرم ﷺ به مردم یا «اهل حلّ و عقد» واگذار شده و خود آن حضرت کسی را به این منصب معرفی نکرده است.^(۵)

۲. مخالفان تأویل: کسانی که مخالف تأویل و تغییر بودند و به ظواهر قرآن و حدیث عمل می‌کردند؛ مانند حنابله و اهل حدیث، که به آن‌ها «اهل السنة» گفته می‌شد.^(۶)

۳. مخالفان بدعت: «اهل السنة» به کسانی که با بدعت‌گذاری مخالفت می‌کردند و - به قول خودشان - از سلف صالح پیروی می‌نمودند، اطلاق می‌شد. این معنا نزد متأخران اشاعره شایع بوده؛ آن‌ها مذاهب دیگر را به بدعت‌گذاری متهم می‌کردند و «اهل البدعة» می‌خواندند.^(۷)

در این‌جا، اصطلاح «اهل السنة» به

■ در زمان حیات

پیامبر اکرم تنها

مرجع دینی و سیاسی -

اجتماعی، شخص ایشان بود

و سخن آن حضرت در همه منازعات

و گفت وگوها میان مسلمانان

عنوان «فصل الخطاب» داشت؛ به

نحوی که هیچ کس نمی توانست

علناً در برابر کلام

حضرت مخالفت کند.

اختیار است و به حلال و حرام آن عمل می شود. در عهد خلیفه دوم و سوم نیز بر این امر تأکید می شد، به خصوص عمر که در زمان خلافت خود، با شدت بیش تری با نقل حدیث برخورد می کرد. احادیث موجود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دستور خلیفه دوم سوزانیده شد و ناقلان آن ها مورد عتاب عمر قرار گرفتند. (۱۳)

ثانیاً، خلفای عباسی مذهب اهل سنت را مذهب رسمی دنیای اسلام قرار دادند و با تمام قدرت از آن حمایت نمود، با تشیع مخالفت می کردند؛ زیرا این روش را در حفظ قدرت و سیاست خود مؤثر می دانستند. به همین دلیل، با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروانشان شدیداً برخورد می کردند و از هیچ ظلمی نسبت به آن ها دریغ نمی ورزیدند. از این جا بود که اصطلاح «سنی» و مذهب کلامی و فقهی ایشان رشد کرد و در برابر شیعه قرار گرفت و تا امروز نیز ادامه یافته است. (۱۴)

بنابراین، در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، صحابه و حتی تابعان نشانه ای از اصطلاح «اهل سنت» یا «سنی» به معنای مورد نظر نبود، اگرچه گروه مخالف شیعه با نگرش انکار نص در خلافت و امامت، بلافاصله پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با عناوینی مانند «عثمانیه» پیدا آمد و به تدریج رشد کرد. اصطلاح «اهل سنت» یا «سنی» در زمان عباسی نضج گرفت و میان مسلمانان جا افتاد؛ چون خلفای

برخی از متأخران قول دوم را ترجیح داده و به این نتیجه رسیده اند که اصطلاح «اهل السنة» یا «سنی» در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز پیدا شده و پیش از آن چنین اصطلاحی وجود نداشته است؛ به این دلیل که در عصر صحابه، به خصوص زمان خلفای سه گانه، نقل و نوشتن حدیث بکلی ممنوع بود. شعار «حسبنا کتاب الله» که توسط عمر سر داده شد، در فضای اجتماع آن روز حاکم گردید و با ناقلان احادیث نبوی به شدت برخورد می شد؛ چنان که نقل شده است برخی از صحابه بزرگ مانند عمار یاسر، ابو درداء و ابن مسعود به دلیل نقل حدیث و مسائل این چنین کتک خوردند و مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. (۱۱) عمر به ایشان می گفت: احادیث پیامبر چیست که نقل می کنید؟ فقط به قرآن عمل کنید و روایات رسول خدا را کم کنید! اگر این کار را کردید، من با شما شریک هستم! (۱۲)

آنچه از مجموع قرائن و شواهد تاریخی و اوضاع و احوال زمان صحابه برمی آید این است که پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، گروهی از مسلمانان، که اکثریت را دارا بودند، در مقابل پیروان علی علیه السلام قرار گرفته و مذهب کلامی اهل سنت به معنای انکار نص در خلافت و امامت را بنیاد نهادند. آنان ابوبکر را به عنوان جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برگزیدند. اما اصطلاح «سنی» یا «اهل السنة» به این معنا نه در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشته و نه در عصر صحابه و حتی تابعان، بلکه این اصطلاح بعد - شاید پس از انقراض بنی امیه - شایع شده است. زیرا:

اولاً، در زمان خلفای راشدین با نقل حدیث به شدت مخالفت می شد و تقریباً تا پایان قرن اول، این وضع ادامه داشت. هنگامی که ابابکر به خلافت رسید، مردم را جمع کرد و فرمان داد که کسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیث نکند؛ چون کتاب خدا در

معنای اول (متکران نص در خلافت) مورد بحث است و این که این اصطلاح از چه زمانی پیدا شده است؟ اهل سنت پیرو هر مذهبی باشند، بر این مسأله اتفاق نظر دارند که تعیین خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله به رأی مردم واگذار شده است. در زمینه پیدایش مذهب اهل سنت (به مفهوم انکار نص در خلافت و امامت) نظریات و اقوالی وجود دارد که در این جا به آن ها اشاره می گردد، ولی نقد و بررسی این نظریه ها به فرصت دیگری نیازمند است:

پیشینه اصطلاح «اهل السنة»

۱. زمان صحابه: آنچه از کلام اهل حدیث و اشاعره برمی آید این است که اصطلاح «اهل السنة و الجماعة» در عصر صحابه معروف بوده و از آن زمان، در میان مسلمانان رواج یافته است. (۸)

۲. اوایل قرن دوم: طبق این نظریه، اصطلاح «اهل السنة» در اوایل قرن دوم، اولین بار در رساله عمر بن عبدالعزیز و بر ضد نظریه قدریه به کار رفته است. پیش از این تاریخ، در عصر صحابه و تابعان، این اصطلاح وجود نداشته و به معنای مورد بحث استعمال نشده است. (۹)

۳. عصر خلفای عباسی: برخی از تاریخ نویسان و متکلمان پیدایش اصطلاح «اهل السنة» یا «سنی» را زمان خلفای عباسی می دانند. اعیان الشیعه به نقل از ابوحاتم رازی، چنین می نویسد: در زمان صحابه، عده ای از مسلمانان رابطه خوبی با علی بن ابی طالب علیه السلام نداشتند و از عثمان پیروی می کردند. این گروه در زمان خلفا و بنی امیه به نام «عثمانی ها» خوانده می شدند، اما در عصر عباسی، به تدریج این نام منسوخ گردید و عنوان جدیدی به اسم «سنی» یا «اهل السنة» پدید آمد و بر مخالفان علی علیه السلام اطلاق گردید. (۱۰)



■ منشأ اصلی پیدایش

شیعه و سنی اختلاف

در مسأله امامت و مرجعیت

دینی و سیاسی است که اهل سنت

خلفای سه گانه را شایسته آن می دانند

و هر که را مورد وفاق مردم قرار گرفت،

می پذیرند. اما شیعه امامت و خلافت

پس از پیامبر ﷺ را منحصرأ در

خاندان آن حضرت جست

و جو می کنند.

عباسی اغلب سنی متعصب بودند و به دلیل مسائل سیاسی از مذهب تسنن، به خصوص مذهب حنفی پشتیبانی می کردند و بدین وسیله، در شرق و غرب کشور اسلامی، مذهب اهل سنت گسترش یافت.

مفهوم «شیعه»

الف - در لغت

واژه «شیعه» در لغت، به معنای اتباع، انصار و پیروان آمده است؛ بدین معنا که اگر کسی از شخصی پیروی کند و دوستی و محبت او را در دل داشته باشد و از او حمایت نماید، به او «شیعه» گفته می شود. لفظ «شیعه» به این معنا، بر مفرد، جمع، مرد و زن - بالسویه - اطلاق می شود^(۱۵) و به همین معنا، در قرآن کریم به کار رفته است؛ آن جا که می فرماید: «هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَ هَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ» (قصص: ۱۵)؛ یکی از پیروان او - موسی علیهما السلام - و دیگری از دشمنانش. آن که از پیروانش بود، بر ضد کسی که دشمن وی بود، از او یاری خواست.

هم چنین کلمه «شیعه» در لغت، به معنای فرقه و طایفه ای که بر امری موافقت کنند، بدون تبعیت و پیروی از یکدیگر، نیز آمده^(۱۶) و به همین معنا در قرآن مجید نیز به کار رفته است. «وَإِنْ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ» (صافات: ۸۳)؛ بی گمان، ابراهیم از شیعیان او [نوح] است.

معلوم است که حضرت ابراهیم علیهما السلام

صاحب شریعتی مستقل بوده و از حضرت نوح علیهما السلام پیروی نمی کرد، ولی به دلیل آنکه او در دین و دعوت به توحید، با حضرت نوح علیهما السلام هماهنگ بود و هر دو هدف واحدی را دنبال می کردند، از این رو، به «شیعه نوح» تعبیر شده است.^(۱۷)

ب - در اصطلاح

«شیعه»، به مفهوم کلامی آن، به گروهی از مسلمانان اطلاق می شود که ولایت و محبت علی بن ابی طالب علیهما السلام و سایر امامان معصوم علیهما السلام از فرزندان او را در دل دارند و از ایشان پیروی می کنند. به عقیده شیعیان، منصب امامت و خلافت رسول خدا ﷺ همانند نبوت، یک منصب الهی است و از این رو، امام باید با نص خاصی از جانب خدا یا رسول او ﷺ تعیین شود و مردم نمی توانند از پیش خود، امام و جانشین پیامبر ﷺ را مشخص سازند. شخص امام نیز باید از ویژگی هایی از قبیل عصمت برخوردار باشد، وگرنه هر کسی لیاقت و شایستگی احراز مقام امامت را ندارد.^(۱۸)

هر چند معنای لغوی کلمه «شیعه» اختصاص به گروهی خاص ندارد و به مطلق انصار و اتباع اطلاق می شود، ولی در اصطلاح کلامی، این واژه اسم خاصی برای پیروان امام علی علیهما السلام قرار گرفته است، به گونه ای که هر جا با شنیدن آن، همین معنا به ذهن تبلور می کند؛ زیرا یکی از ویژگی های این گروه اعتقاد به برتری حضرت علی علیهما السلام بر همه صحابه پیامبر ﷺ است و بدین روی، از او پیروی می کنند.

با این حال، سؤالی که مطرح می شود این است که اصطلاح «شیعه»، به این معنا، از چه زمانی پدید آمده و چگونه شکل گرفته است؟ در این جا، به برخی اقوالی که در این زمینه وجود دارند اشاره گردد.

پیشینه اصطلاح «شیعه»

۱. زمان حیات رسول خدا ﷺ؛

۲. زمان عثمان توسط فردی به نام عبدالله بن سبأ؛

۳. زمان خلافت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام؛

۴. پس از زمان امیرالمؤمنین علی علیهما السلام در طی حوادث گوناگون و تحولات سیاسی - اجتماعی.^(۱۹)

از این اقوال و نظریه ها آنچه بیش از همه قابل توجه می باشد قول اول و دوم است؛ نظریه اول به لحاظ آنکه با شواهد تاریخی و احادیث نبوی سازگار است و قول دوم به دلیل آنکه از طرف دشمنان تشیع برای تضعیف شیعه طراحی و اجرا گردیده حساسیت برانگیز است. از این رو، لازم است به اختصار، به این دو نظریه اشاره شود:

پیدایش شیعه در عصر رسالت

پیدایش مذاهب اسلامی به صورت رسمی، به پس از وفات پیامبر اکرم ﷺ باز می گردد و در زمان حیات آن حضرت، وجودی نداشتند، چون تنها مرجع دینی و سیاسی - اجتماعی در عصر پیامبر، شخص ایشان بود و سخن آن حضرت در همه منازعات و گفت و گوها میان مسلمانان عنوان «فصل الخطاب» داشت؛ به نحوی که هیچ کس نمی توانست علناً در برابر کلام حضرت مخالفت کند. خداوند در این زمینه، خطاب به مسلمانان می فرماید: «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ» (نساء: ۵۹)؛ هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید و از آن ها داوری بطلبید. در جای دیگری نیز آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ» (حجرات: ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، چیزی را بر خدا و رسولش مقدم نشمارید و بر آنان پیش

نگیرید.

با این حال، در جریان مبارزات مسلمانان و نبردهای با کفار و مشرکان در زمان حیات رسول خدا ﷺ نیز گرایش‌های مختلفی وجود داشت که گاه آثار و نشانه‌های آن در صحنه‌های سیاسی و نظامی نمودار می‌شد. در اثر تحولات و حوادث گوناگون، به تدریج حب و بغض‌هایی در میان یاران پیامبر ﷺ پدیدار شد و گروه‌های کوچکی به شکل غیررسمی پدید آمدند. عده‌ای از صحابه بزرگ از همان اوایل بعثت پیامبر ﷺ، مجذوب علی ﷺ شدند و به نام «شیعه علی ﷺ» شهرت یافتند. پیامبر اکرم ﷺ نیز اسم شیعه را بارها به آنان اطلاق نموده و مکرر آن‌ها را به عنوان «شیعه علی ﷺ» مورد خطاب قرار داده بود. بشارت‌هایی که پیامبر اکرم به شیعیان علی ﷺ داده بسیار است و ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که اصطلاح «شیعه» در زمان پیامبر ﷺ نیز متداول بوده و گروهی به این نام معروف بوده‌اند.

بسیاری از منابع شیعه و سنی به این موضوع اشاره دارند که تعدادی از اصحاب پیامبر مانند مقداد، ابوذر، عمار و سلمان در زمان حیات رسول خدا ﷺ، به نام «شیعه علی ﷺ» شهرت یافتند. (۲۰) پیامبر اکرم ﷺ عنوان «شیعه» را بر این گروه از پیروان علی ﷺ فراوان اطلاق کرده‌اند.

جابر ابن عبدالله انصاری می‌گوید: نزد پیامبر ﷺ بودیم که حضرت علی ﷺ وارد شد. سپس پیامبر فرمودند: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنَّ هَذَا وَشِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ (۲۱) سوگند به کسی که جانم به دست اوست، این شخص - حضرت علی ﷺ - و شیعیانش در قیامت همان رستگارانند.

هنگامی که آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (بته: ۷) نازل شد، بسیاری از اصحاب پرسیدند: یا

رسول الله ﷺ، «خیر البریه» کیانند؟ پیامبر ﷺ فرمودند: علی ﷺ و پیروانش. (۲۲)

ابن عباس می‌گوید: چون آیه مزبور نازل شد، رسول خدا ﷺ به علی ﷺ فرمود: «هَم لَنْتَ وَشِيعَتُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَاضِينَ مُرَضَّيْنِ»؛ (۲۳) آن‌ها (خیر البریه) تو و شیعیانت هستيد که خدا از آن‌ها راضی و آنان از خدا خشنودند.

در همین زمینه، حدیثی از حضرت علی ﷺ نقل شده است که پیامبر ﷺ به آن حضرت فرمود: «أَلَمْ تَسْمَعْ قَوْلَ اللَّهِ: "أَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ"؟ هُم أَنْتَ وَشِيعَتُكَ وَمَوْعِدِي وَمَوْعِدُهُمُ الْخَوْصُ إِذَا جَاءَتِ الْأُمَمُ لِلْحِسَابِ تُدْعَوْنَ غُرّاً مَجْلِينَ»؛ (۲۴) آیا نشنیدی کلام خداوند را که فرمود: «به تحقیق آنان که ایمان آورده و کار نیک انجام داده‌اند بهترین آفریدگانند». تو و شیعیانت بهترین آفریدگان هستید که وعده من و شما کنار حوض کوثر است. وقتی که همه امت‌ها برای حساب محشور شدند، شیعیان تو «پیشانی سفیدان» خوانده می‌شوند.

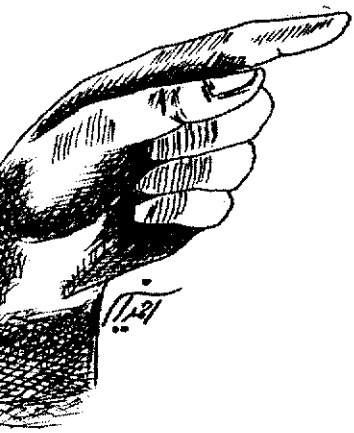
در حدیث دیگری پیامبر ﷺ خطاب به علی ﷺ می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ، أَنَا شَفِيعُ لَشِيعَتِكَ غَدًا إِذَا قُتِلَ الْمَقَامُ الْحَمُودُ فَبَشِّرْهُمْ بِذَلِكَ. يَا عَلِيُّ، شِيعَتُكَ شِيعَةُ اللَّهِ»؛ (۲۵) یا علی ﷺ، به درستی که شیعیانت گناهان و عیوبشان بخشیده است! یا علی، من فردای قیامت، وقتی بر مقام محمود قرار گیرم، شفیع آن‌ها هستم و ایشان را به این بشارت ده! شیعیان تو پیروان خدايند.

از این احادیث و سیره رسول خدا ﷺ، به روشنی برمی‌آید که «شیعه» در زمان حیات پیامبر ﷺ نیز وجود داشته و اصطلاح «شیعه» را آن حضرت به پیروان و محبان حضرت علی ﷺ اطلاق کرده و بشارت‌هایی به آنان داده است.

با توجه به این روایات که بیش‌تر آن‌ها در منابع معتبر اهل سنت وجود دارد، به

یقین، می‌توان گفت که دعوت به تشیع هم‌زمان با دعوت به اسلام و گفتن کلمه «لا اله الا الله» آغاز شده است؛ زیرا رسول اکرم ﷺ در نخستین روزهای دعوت به اسلام، از اقوام و خویشاوندان نزدیک خود، چهل نفر را دعوت و پذیرایی کرد و همگی را به اسلام خواند و فرمود: هر کس پیش از همه به من ایمان آورد، خلیفه و جانشین من خواهد بود و اطاعت وی بر همه مسلمانان واجب است، این سخن را پیامبر ﷺ سه بار تکرار کردند و هر سه بار جز علی ﷺ کسی دعوت پیامبر ﷺ را لبیک نگفت. (۲۶)

سیره پیامبر ﷺ به خوبی نشان می‌دهد که شخص آن حضرت عقاید شیعه را در عصر رسالت برای مردم تبلیغ کردند و در اذهان مسلمانان وارد ساختند رسول اکرم ﷺ با سخنان دل‌نشین خود همواره پیروان حضرت علی ﷺ را از چشمه علم و معرفت خویش سیراب می‌نمودند و فضایل و مناقب حضرت علی و ائمه اطهار علیهم‌السلام را بیان می‌کردند. از این جاست که اولین منادیان تفکر شیعی اصحاب آن حضرت بوده‌اند و نهال برومند تشیع را به دستور ایشان غرس و آب یاری کرده‌اند. در نتیجه، شیعه با سابقه‌ترین فرقه اسلامی بوده و اصطلاح «شیعه» از زمان رسول خدا ﷺ رایج بوده است. در حقیقت، شیعه عصاره اسلام و به تعبیر دیگر، اسلام واقعی است؛ زیرا بدون ولایت علی ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام اسلام هم‌چون پوسته‌ای است بدون مغز. به هر روی،



ریشه تشیع به آغاز دعوت اسلامی باز می‌گردد و نام «شیعه» به وسیله پیامبر ﷺ تبلیغ و ترویج شده است. بنابراین، در پاسخ به سؤال از این‌که مذهب شیعه در چه زمانی پدید آمده، با اطمینان می‌توان گفت که در زمان حیات رسول خدا ﷺ و توسط شخص نبی اکرم ﷺ، شکل گرفته است.

نظریه عبدالله بن سبا

با وجود آن‌که دلایل و شواهدی از احادیث نبوی، تاریخی و کلامی مبنی بر پیدایش تشیع در زمان رسول خدا ﷺ بیش از آنچه ذکر شد، موجود است و همگی به یقین می‌رساند که اصطلاح «شیعه» در عصر رسالت رایج بوده و تعدادی از بزرگان اصحاب به نام «شیعه علی علیه السلام» شهرت داشته‌اند، در عین حال، نظریات بی‌پایه و اساسی نیز وجود دارد که در واقع، از طرف مخالفان تشیع طرّاحی و ارائه شده است. یکی از آن‌ها نظریه «عبدالله بن سبا» است. طبق این نظریه، مذهب تشیع ساخته و پرداخته او بوده و در زمان خلافت عثمان رخ داده است.

بر اساس این نظریه، شخصی یهودی الاصل، اهل صنعا، از راه خدعه و فریب، به ظاهر اسلام آورد. او به تدریج، بین مسلمانان نفوذ پیدا کرد و مردم را به سوی علی علیه السلام دعوت نمود و او را در خلافت بر حق می‌دانست. عده‌ای از مسلمانان از او پیروی کردند و خود را «شیعه علی» خواندند، بدین‌سان، مذهب «شیعه» شکل گرفت. به نظر ابن سبا، علی علیه السلام کشته

نشده، بلکه زنده است، به آسمان عروج کرده و دوباره به زمین بازمی‌گردد و قیام می‌کند. (۲۷)

نقد و بررسی: اگرچه این نظریه توسط دانشمندان اسلامی، به خصوص علمای شیعه، به صورت مفصل نقد و بررسی شده و بطلان آن برای همه پژوهش‌گران روشن گشته ولی با این حال در این‌جا به طور خلاصه بدان اشاره می‌گردد:

آنچه از منابع معتبر تاریخی و کلامی برمی‌آید، نشان دهنده آن است که در قرن اول هجری، چنین نظریه‌ای در باب پیدایش مذهب شیعه وجود نداشته و حتی مخالفان تشیع آن را ادعا نکرده‌اند. بر اساس تحقیقات مفصلی که انجام شده، در سده دوم هجری، شخصی به نام سیف بن عمر این ماجرا را نقل کرده است. سیف روایات زیادی نقل کرده که بیش‌تر آن‌ها با روایات و شواهد معروف تاریخی سازگاری ندارد و بدین دلیل، شیعه و سنی قابل به ضعف خبرهای او هستند و او را «کذاب» و «وَضَّاع» می‌دانند؛ به خصوص در افسانه عبدالله بن سبا که محققان شیعه و سنی و حتی شرق‌شناسان غیرمسلمان درباره آن تحقیق کرده و ساختگی بودن این اسطوره را اثبات نموده‌اند؛ زیرا اولاً، فردی به نام «عبدالله بن سبا» در زمان خلافت عثمان وجود نداشته و هیچ یک از منابع تاریخی معتبر اشاره‌ای به او نکرده است.

ثانیاً، به فرض وجود چنین شخصی، محال است که او در اندک زمانی با اسلام آوردن ظاهری، بتواند در همه اصحاب نفوذ پیدا کند و - به قول برخی، برای تضعیف امت اسلامی - مذهب تشیع را پدید آورد. (۲۸) این مسأله با توجه به حساسیت اصحاب پیامبر ﷺ درباره دین و واکنش‌های شدید آنان در برابر مرتدان به خوبی روشن می‌گردد؛ چرا که ممکن بود ایشان در برابر چنین پدیده بزرگی بی تفاوت باشند، به ویژه خلیفه سوم که

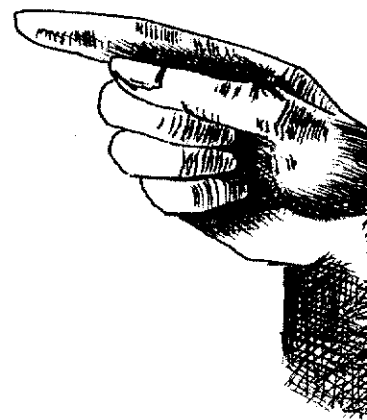
مدعی پاس‌داری از اسلام و حفاظت حریم آن بود، چگونه می‌توانست در قبال پدیده «عبدالله بن سبا» ساکت بنشیند؛ این در حالی است که عثمان حتی نسبت به قضایای کوچک‌تر واکنش نشان می‌داد و حتی برخی از صحابه بزرگ پیامبر مانند ابن مسعود و عمار یاسر را تک‌زد.

ثالثاً، عبدالله بن سبا هیچ‌جا در زمره یاران امام علی علیه السلام نبوده و ذکری از او به میان نیامده و به فرض صحت قضیه، می‌بایست در جنگ‌ها در کنار آن حضرت می‌بود. (۲۹)

از مجموع آنچه گفته شد، به این نتیجه می‌رسیم که ماجرای عبدالله بن سبا ساختگی و غیرواقعی است و از طرف دشمنان شیعه برای تضعیف تشیع برنامه‌ریزی و اجرا شده است. برای اهل تحقیق و منطق، روشن است که اصطلاح «شیعه» و نام‌گذاری گروهی به این نام از اختراعات رسول اکرم ﷺ است و شخص آن حضرت مسلمانان را به پیروی از اهل بیت علی علیه السلام و در رأس آن‌ها، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، دعوت کردند؛ همان‌گونه که شواهد متعددی از سیره پیامبر ﷺ مؤید این سخن است. قضیه «غدير خم» از نمونه‌های بارزی است که حقانیت مذهب تشیع را در موضوع خلافت روشن می‌سازد؛ زیرا اختلاف اصلی شیعه و سنی بر موضوع تعیین جانشینی پیامبر ﷺ و مسأله امامت است که در حدیث متواتر غدیر، به خوبی بیان شده است.

منشأ اصلی پیدایش شیعه و سنی

هر چند بررسی عوامل دخیل در پیدایش دو مذهب شیعه و سنی به عنوان دو دیدگاه اصلی در جهان اسلام و این‌که چه عناصری در پیدایش آن دو نظریه دخالت داشته، خود موضوع مهمی است و تحقیق مستقلی می‌طلبد و می‌توان عوامل

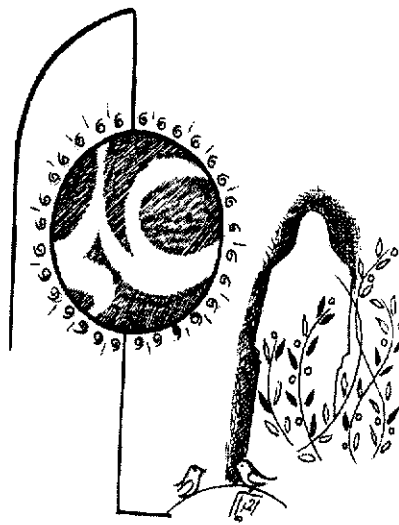


گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را برای آن ذکر کرد که در شکل‌گیری این دو نگرش تأخیرگذار بوده‌اند، اما بررسی همه آن‌ها در یک مقاله نمی‌گنجد. از این‌رو، به مهم‌ترین عاملی که به نظر فریقین، موجب شکاف بین مسلمانان شده و در نتیجه، دو مذهب مستقل «شیعه» و «سنّی» را پدید آورده است اشاره می‌شود:

جریان ظهور و پیشرفت اسلام در مدت ۲۳ سال بعثت رسول خدا ﷺ در مکه و مدینه، تحولات فراوانی به همراه داشت، فشارهای همه‌جانبه کفار قریش در مکه و سخت‌گیری آن‌ها نسبت به پیامبر ﷺ و یارانش موجب مهاجرت مسلمانان به مدینه شد. ولی با این‌حال، پیامبر خدا ﷺ در مدینه نیز از تجاوزهای مشرکان مکه در امان نماند و جنگ‌های بسیاری بر مسلمانان تحمیل گردید. طی این تحولات، به طور طبیعی، جریان‌هایی در داخل صفوف مسلمانان پدید آمد و گرایش‌هایی بروز کرد که نشانه‌های آن، گاه در برخوردهای سیاسی و نظامی نمایان می‌شد. اختلاف‌های متعددی، چه در زمان حیات رسول خدا ﷺ و چه پس از آن در میان مسلمانان ظاهر شد که مهم‌ترین و اساسی‌ترین آن‌ها اختلاف در مسئله خلافت و تعیین جانشین رسول اکرم ﷺ بود. این مسئله باعث جدایی مسلمانان و پیدایش دو مذهب «شیعه» و «سنّی» گردید که تا امروز این اختلاف وجود دارد.

علمای دو مذهب بر این مسئله اعتراف دارند که اختلاف در امامت و خلافت باعث تقسیم مسلمانان به دو گروه «شیعه» و «سنّی» شده است.

شهرستانی می‌گوید: بزرگ‌ترین اختلاف میان ائمت اسلامی اختلاف در مسئله امامت است؛ چون بر هیچ مسئله‌ای در اسلام شمشیرها از نیام بیرون نیامد، آن‌گونه که بر مسئله خلافت و امامت در طول تاریخ، جنگ‌های خونینی واقع شد. (۳۰)



هم‌چنین برخی دیگر از دانشمندان اهل سنّت در این زمینه، می‌نویسند: اختلاف اساسی میان مسلمانان که پس از وفات رسول خدا ﷺ پدید آمد و به پیدایش مذاهب شیعه و سنّی منجر شد، اختلاف بر سر مسئله خلافت و امامت بود که ابتدا میان مهاجران و انصار روی داد و در نهایت، به خلافت ابوبکر منتهی گشت. در حقیقت، همه مذاهب اسلامی، اعم از کلامی و سیاسی و مذهبی، بر محور خلافت و امامت پدید آمد. (۳۱)

به نظر علمای شیعه نیز مهم‌ترین مسئله اختلافی میان مسلمانان، که منجر به پیدایش دو مذهب شیعه و سنّی شد، اختلاف در مسئله خلافت و امامت بود که پس از وفات رسول اکرم ﷺ بروز کرد، اگرچه زمینه‌های اختلاف میان مسلمانان صدر اسلام و اصحاب پیامبر ﷺ نیز وجود داشت و گاه در زمان حیات رسول خدا ﷺ هم این اختلافات بروز می‌کرد و عده‌ای شکایت نزد آن حضرت می‌بردند، اما پیامبر ﷺ به زودی اختلافات را حل می‌نمود. ولی اختلاف اصلی اصحاب رسول اکرم ﷺ پس از رحلت آن حضرت بر مسئله خلافت و تعیین جانشین پیامبر ﷺ بوده که تا امروز ادامه یافته است. (۳۲)

بنابراین، منشأ اصلی پیدایش دو مذهب شیعه و سنّی اختلاف در موضوع امامت و خلافت اسلامی است که دو

دیدگاه متفاوت در این زمینه وجود دارد: اهل سنّت امامت را از اصول دین نمی‌دانند و شرط خاصی بجز پذیرش مردم، برای امام قایل نیستند. به عقیده آن‌ها، پیامبر اکرم ﷺ کسی را به عنوان خلیفه و جانشین خود تعیین نکرد و هیچ نصّی از خدا و پیامبر ﷺ در این زمینه نرسیده، بلکه تعیین جانشینی پیامبر ﷺ به مردم واگذار شده و مردم پس از وفات رسول خدا ﷺ ابابکر را به خلافت برگزیدند و همه باید از او پیروی کنند. ماجرای «سقیفه» که پیش از دفن پیکر مطهر پیامبر ﷺ روی داد و عده‌ای سفارش‌های پیامبر ﷺ را نادیده گرفتند بدین دلیل بود که مجریان آن، منکر نصّ در خلافت و امامت بودند و نظریه «شورا» را در باب امامت پدید آوردند. (۳۳) در واقع، «سقیفه بنی ساعده» آغاز غصب حقوق اهل بیت پیامبر ﷺ و ستم به شیعیان و پیروان علی بن ابی طالب علیه السلام بود که صحنه‌های خونین و رقت‌باری پدید آورد و تاکنون نیز این روند ادامه دارد. اما شیعه و پیروان اهل بیت پیامبر ﷺ بر این باورند که امامت از اصول دین و ارکان اساسی اسلام است؛ همان‌گونه که نبوت یک منصب الهی است و انبیاء علیهم السلام از جانب خداوند به این مقام منصوب می‌شوند، امامت نیز منصبی الهی است و باید با نص خدا یا پیامبر خدا ﷺ، کسانی بر این مقام تعیین گردند، به عقیده شیعه، هر کس لیاقت احراز مقام امامت و جانشینی پیامبر ﷺ را ندارد، بلکه امام باید شروطی داشته باشد که اولین آن‌ها «عصمت» است؛ یعنی امام و خلیفه پیغمبر ﷺ باید معصوم باشد تا بتواند شؤون دینی و اجتماعی پیامبر ﷺ را بر عهده بگیرد. علاوه بر این، امام باید عالم‌تر و برتر از همه مردم باشد، به گونه‌ای که هیچ کس به علم و فضل او نرسد. (۳۴)

به نظر شیعه، کسی پس از رسول



خدا ﷺ؛ دارای اوصاف لازم برای امامت و خلافت نبود، به جز امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ که به اعتراف همه علمای مسلمان و غیرمسلمان، افضل اصحاب پیامبر ﷺ بود و از جانب خدا و رسولش با نص جلی بر منصب امامت گمارده شد. نصوص و احادیث نبوی مبنی بر خلافت و امامت علی ﷺ در منابع شیعه و سنی فراوان است و جای شک و تردیدی باقی نمی‌گذارد، از آن جمله، می‌توان از حدیث غدیر، حدیث ثقلین، حدیث منزلت و حدیث یوم الانذار نام برد که در جای خود مفصل بحث شده است.

شیعه معتقدند که حضرت علی ﷺ بر اساس تعیین رسول اکرم ﷺ و به دلیل آن‌که افضل اصحاب رسول الله ﷺ بود، خلیفه بلافصل پیامبر است و پس از ایشان یازده امام معصوم از فرزندان آن حضرت اوصیای رسول خدا ﷺ هستند؛ پیامبر ﷺ با نص جلی، همه ایشان را با نام و نشان معرفی کرده است. راه شناخت امام معصوم و وصی پیامبر آن است که علاوه بر تصریح رسول خدا ﷺ، امام قبلی نیز او را به مردم معرفی کند؛ شیوه‌ای که درباره امامان معصوم دوازده گانه ﷺ رعایت شده و بر این اساس، امروز امام زمان، حضرت مهدی ﷺ، خلیفه خدا بر زمین است و نظام هستی به یمین وجود مقدس او برقرار می‌باشد. (۳۵)

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

آنچه از مجموع مطالب ذکر شده به دست می‌آید این است که اصطلاح «شیعه» به مفهوم کلامی، یعنی پیروان علی بن ابی طالب ﷺ که در زمان حیات رسول خدا ﷺ نیز رایج بوده و شخص آن حضرت بارها واژه «شیعه» را بدین معنا به کار برده‌اند از این‌رو، می‌توان گفت که واضح کلمه «شیعه» پیامبر اکرم ﷺ است و عقاید شیعه را ایشان در اذهان بزرگان

اصحاب مستقر ساختند. اما اصطلاح «اهل سنت» به معنای کلامی آن، از قرن اول به بعد پیدا شد و در عصر عباسی رشد کرد. بنابراین، پیدایش «شیعه» از نظر کاربرد و مفهوم کلامی، مقدم بر پیدایش «اهل سنت» به این معناست.

برخی نظریات بی‌اساس درباره پیدایش «شیعه» مانند اسطوره «عبدالله بن سبا» ساخته و پرداخته دشمنان تشیع و زنادقه می‌باشد که برای تضعیف مذهب اهل بیت پیامبر ﷺ به وجود آمده است. منشأ اصلی پیدایش دو مذهب شیعه و سنی اختلاف در مسأله امامت و مرجعیت دینی و سیاسی است که اهل سنت خلفای سه‌گانه را شایسته آن می‌دانند و هر که را مورد وفاق مردم قرار گرفت، می‌پذیرند. اما شیعه امامت و خلافت پس از پیامبر ﷺ را منحصرأ در خاندان آن حضرت - یعنی علی و فرزندانش ﷺ - جست‌وجو می‌کنند و مرجعیت دینی و سیاسی را مطلقاً از آنان می‌دانند. ■

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ابن اثیر، النهایه، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۰۹
- ۲- سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، قم، انتشارات اسلامی، ج ۱۶، ص ۳۴۰
- ۳- ابن منظور، لسان العرب، ط ۲، بیروت، موسسه احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق. ج ۶، ماده «سنن»، ص ۳۹۷ و ۳۹۸ / دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، ج ۳، ص ۱۸۵
- ۴- محمدعمر نسفی، شرح العقاید النسفیة، پاکستان، مکتبه رشیدیة، ص ۱۱۵ - ۱۱۶ / ص ۱۱۰ - ۱۱۱ / ص ۱۱۹
- ۷- همان، ص ۱۱۶ / دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، ج ۳، ص ۱۸۵
- ۸- علی ربانی گلپایگانی، فرق و مذاهب کلامی، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۶۷
- ۹- جعفر سبحانی، بحوث فی الملل والنحل، حوزه علمیه قم، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۴۳
- ۱۰- سیدمحسن امین، اعیان الشیعة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق. ج ۱، ص ۱۹
- ۱۱- جعفر سبحانی، پیشین، ج ۱، ص ۳۴۴ / محمدحسن مظفر، دلائل‌الصدق، ج ۳، ص ۱۶۰

- ۱۲- علاءالدین هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه رسالت، ۱۴۰۹ ق. ج ۱۰، ص ۲۹۳
- ۱۳- مرتضی عسکری، معالم المدرستین، المجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۶ ق. ج ۲، ص ۵۰ - ۵۲
- ۱۴- اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۱۹
- ۱۵- ابن منظور، پیشین، ج ۷، ماده «شیع»، ص ۲۵۸
- ۱۶- خلیل احمد فراهیدی، کتاب العین، اسوه، ۱۴۱۴ ق. ج ۲، ماده «شیع»، ص ۹۶۰
- ۱۷- سیدمحمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۷، ص ۱۴۷
- ۱۸- شیخ صدوق، فضایل الشیعة، قم، مؤسسه امام المهدی، ۱۴۱۰ ق. ص ۱۵
- ۱۹- محمدباقر صدر، نشأة الشیعة و التشیع، الغدیر، بیروت، ۱۴۱۷ ق. ص ۱۴ / محمدعلی حسینی، فی ظلال التشیع، کویت، مکتبة الالفین، ۱۴۰۳ ق.، ص ۴۵
- ۲۰- شیخ صدوق، پیشین، ص ۱۲ / محمدحسین مظفر، تاریخ الشیعة، ص ۴
- ۲۱- الی ۲۳، جلال‌الدین سیوطی، الذر‌المنثور، بیروت، محمد امین و حج، ج ۶، ص ۳۷۹
- ۲۴- محمدعمادالدین طبری، بشارة المصطفی، تحقیق جواد قیومی، مؤسسه نشر اسلام، ۱۴۲۰ ق.، ص ۴۲
- ۲۵- سلیمان قندوزی، بنایع المودة، تحقیق علی حسینی، ۱۴۱۶ ق. ج ۱، ص ۳۱۱
- ۲۶- محمد ابوزهره، تاریخ المذاهب الاسلامیة، قاهره، دارالفکر العربی، ص ۲۷ / سیدمرتضی عسکری، عبدالله بن سبا، بیروت، دارالزهره، ۱۴۰۳ ق. ج ۱، ص ۳۵ - ۴۸
- ۲۷- تاریخ المذاهب الاسلامیة، ص ۲۷
- ۲۸ و ۲۹- ر.ک. به: عبدالله بن سبا، ج ۱، ص ۲ / اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۳۱ - ۳۲ / عبدالله فیاضی، تاریخ الامامیة، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.، ص ۹۶ - ۱۱۰
- ۳۰- محمد شهرستانی، الملل والنحل، عصر، مطبعة مصطفى البابي، ۱۳۹۶ ق.، ص ۲۴
- ۳۱- تاریخ المذاهب الاسلامیة، ص ۱۳ - ۲۰
- ۳۲- شیخ صدوق، پیشین، ص ۱۲ - ۱۳ / محمدباقر صدر، نشأة الشیعة و التشیع، ص ۸۳ - ۸۹ / محمدعلی حسینی، فی ظلال التشیع، ص ۶۳
- ۳۳- ابن خلدون، مقدمه، ج ۱، ص ۴۰۷ / محمد شهرستانی، پیشین، ص ۱۴ - ۱۵ / محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۳ - ۴۴۵
- ۳۴- شیخ صدوق، اوایل المقالات، ص ۷ - ۹ / شیخ صدوق، پیشین، ص ۱۳ - ۱۵
- ۳۵- محمدحسین مظفر، تاریخ الشیعة، ص ۸ - ۱۵ / فی ظلال التشیع، ص ۶۳